گفت‌وگوی «جوان» با سیدمهدی شجاعی‌طباطبایی، عکاس گروه روایت فتح به بهانه سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی

پیوست فرهنگی آوینی را باید سال‌ها پیش ایجاد می‌کردیم

■ مصطفی شاه‌کرمی

سید مرتضی آوینی بعد از اتمام جنگ تحمیلی و در روزگاری که سرگرم تهیه و تدوین مجموعه مستند ماندگار «روایت فتح» بود، به صورت همزمان فعالیت‌های فرهنگی و هنری متنوعی را دنبال می‌کرد تا اینکه نهایتاً در منطقه عملیاتی فکه به فیض شهادت نائل آمد. شهید آوینی به دلیل نگاه متفاوتش در نقد و بررسی آثار هنری و سینمایی، حتی در میان برخی دوستان و طیف بچه‌مذهبی‌ها نیز مورد بی‌مهری و کم‌لطفی قرار گرفته و به همین علت غربت مضاعفی را تحمل می‌کرد. از سوی دیگر خلاصه کردن آوینی در قالب یک مراسم سالانه و برگزاری مجالس یادبود نه تنها نهایت کج‌سلیقگی است بلکه نوعی خودتحریمی نسبت به افکار و اندیشه‌های راهگشای سید شهیدان اهل قلم است. متأسفانه تا به امروز سیدمرتضی را عمداً یا سهواً نتوانسته‌ایم از چارچوب پوسترها و برنامه‌های باسمه‌ای و سازمانی چند دقیقه‌ای سالانه خارج کنیم و از وجوه حرفه‌ای و تفکری این شهید بهره‌ای درخور برای جامعه و به خصوص نسل جوان انقلابی مشتاق استحصال کنیم. در این ارتباط با سیدمهدی شجاعی‌طباطبایی هنرمند فعال در حوزه تجسمی و کاریکاتور که سابقه همکاری و مجالست با این شهید را در قالب عکاس گروه «روایت فتح» دارد به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■■■

شما سابقه همکاری و فعالیت با گروه «روایت فتح» را دارید. برای اطلاع بیشتر مخاطبان ما درباره چگونگی فراهم شدن شرایط و زمینه آشنایی با شهید آوینی توضیح دهید.

در آن ایامی که شهید آوینی در صداوسیما بودند خدمت ایشان رسیدم. خب همانطور که بارها گفته شده شهید آوینی همه مراحل تدوین، صداگذاری و امور مجموعه بی‌نظیر روایت فتح را در یک اتاق بسیار کوچک و محقری انجام می‌داد. تقریباً اول وقت اداری بود ولی از ظاهر شهید آوینی معلوم بود که وضو گرفته اما نه برای نماز بلکه برای شروع به کار تدوین بخش‌هایی از روایت فتح. نکته جالب‌تر اینکه میز تدوین و کارش را به شکلی گذاشته بود که رو به قبله باشد. آوینی حتی به راش‌های اولیه‌ای که از جبهه برایش می‌فرستادند بدون وضو دست نمی‌زد و علت این کارش اعتقاد، معنویت و خلوص عملی بود که نسبت به رزمندگان و شهدا داشت. نکته دیگری که من را مجذوب اخلاق و رفتار شهید آوینی کرد صداقت و زلالی جاری در رفتار و گفتار او بود. جوری با من رفتار می‌کرد که انگار سال‌هاست مرا می‌شناسد. در آن ایام من یک رزمنده و عکاس تازه‌کار بودم که برای عضویت و همکاری با مجموعه روایت فتح و برای تجربه‌اندوزی تلاش می‌کردم که الحمدلله این اتفاق هم افتاد. بعد از پذیرفته شدن عضویتم در گروه روایت فتح به عنوان عکاس، به ساختمان امام صادق(ع) معرفی شدم چون بچه‌های عکاس غالباً با همراهی بچه‌های روایت فتح از این ساختمان به جبهه اعزام می‌شدند. من از اولین دیدارم با شهید آوینی یک ذهنیت معنوی و ویژه از ایشان دارم و به معنای واقعی کلمه خلوص نیت و زلالی شخصیت این شهید را آن روز من با تمام وجودم احساس کردم. هر چند بعدها با آمدن ایشان به حوزه هنری رفته رفته مراودات و بهره‌مندی ما از این شهید بیشتر شد.

شما به عنوان کسی که افتخار و فرصت همکاری با شهید آوینی را داشته است، اساساً سیر تطور و تبدیل «کامبیز» در آمیخته با فضای روشنفکرزده قبل از انقلاب به «سید مرتضی» شدن بعد از انقلاب را حاصل چه فرآیندی می‌دانید؟

از آنجایی که انقلاب ما جنس و بنیادش با همه انقلاب‌های مشابه دنیا متفاوت بود به همان اندازه هم تغییرات و دگردیسی هویتی متأثر از وقوع انقلاب در میان افرادی مانند شهید آوینی از یک فضای روشنفکر زده به سمت حیات طیبه و متأثر از معنویات، سطح و شکلی کاملاً ویژه و خاص دارد. در واقع وقتی بنیانگذار یک انقلاب شخصیتی همچون امام خمینی(ره) با آن جغرافیای هویتی و شخصیتی بسیار ویژه در عوالم علمی و عملی باشد حتماً ثمراتی مثل شهید آوینی هم خواهد داشت. واقعیت این است که در این زمینه تعابیر زیادی وجود دارد و من فکر می‌کنم که شهید آوینی هم متأثر از این انقلاب، یک انقلاب واقعی در درونش ایجاد شد. از آنجایی که نوع نگاه آوینی در حوزه فعالیت‌هایش سرشار از وجوه حسی و اندیشمندانه بوده به این نتیجه می‌رسد همه کارهایی که تا آن موقع انجام داده با این دگرگونی هیچ تناسبی ندارد بنابراین بسیاری از کارهایش را کنار می‌گذارد.

چه انگیزه یا عامل انگیزشی باعث می‌شد شهید آوینی ضمن عبور از آن روزهای سخت، به فیض شهادت نائل بیاید و از سوی رهبر معظم انقلاب به «سید شهیدان اهل قلم» ملقب گردد؟

نگاه آوینی نسبت به مسائل همیشه نگاهی دینی بود. به هر شکل، او از کسانی بود که همواره به امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری ارادت عجیبی داشت و خودش را دانش‌آموخته و عاشق ولایت می‌دانست. نگاهی که به مسائل فرهنگی، هنری و اجتماعی داشت با این دید همراه بود. یعنی نگاهی اندیشمندانه توأم با خلوص، تقوا و فروتنی. ویژگی‌های هنری و تکنیکی آثار مستند شهید آوینی هم خیلی صادقانه و برگرفته از نگاه دینی او است. به قول معروف آنچه از دل برمی‌آید، بر دل هم می‌نشیند. او صداقت را در این فیلم‌ها تزریق کرده بود. در فیلم‌هایش همواره حس ساده بودن و معنوی بودن نهفته است. آثار او در عین سهل بودن ممتنع نیز هست. آثار ایشان اتفاق خجسته‌ای در ثبت وقایع سینمای مستند به شمار می‌آید. به طوری که می‌توان این آثار را برگ زرینی در کارنامه سینمای مستند ایران به شمار آورد.

شهید آوینی یک نگاه و چشم‌انداز متفاوتی در مورد اصالت سینما و هنر انقلابی داشت که با بی‌مهری و تندگویی برخی افراد مواجه شد اما همین تفاوت دیدگاه بعدها و پس از شهادت آوینی از سوی همان منتقدان دیروز، حالا دیگر با آب و تاب زیاد و استخدام کلمات و جملات مطنطن مورد تمجید و تکریم قرار می‌گرفت. هر چه از شهادت آوینی می‌گذرد عمق اندیشه و ژرفای حقیقت نگاه دغدغه‌مندی وی در هنر و سینما بیشتر از قبل عیان می‌شود. دیدگاه‌های آوینی چقدر توانسته یا می‌تواند نقش گره‌گشا یا هدایتگری برای افراد و جریانات هنری داشته باشد؟

برای خود بنده این اتفاق در سطح بالایی رخ داده است. خیلی جالب است! وقتی مجموعه کتاب آینه جادو شهید آوینی منتشر شد، مطالعه آن برای من خیلی هیجان‌انگیز بود چراکه تمثیل‌های بسیار زیبایی در این کتاب وجود داشت. به طور مثال یادم هست که ایشان یک بحثی را در مورد شرایط و تجسم ظاهری فرشتگان مطرح کرده بودند که اگر بخواهیم فرشته‌ها را در یک اثری هنری ترسیم کنیم به چه شکلی می‌توانند باشند؟! از یک طرف من مشتاق بودم این فضا را بیشتر درک کنم و از طرف دیگر متن کتاب را برای این ادراک کافی نمی‌دانستم. به همین علت با ایشان تماس تلفنی گرفتم و بعد از طرح مسئله با لحنی بسیار مهربانانه و مشفقانه به من گفت: «سیدجان باید با هم بنشینیم و در مورد این موضوع با همدیگر صحبت کنیم و پشت تلفن نمی‌شود در موردش حرف زد.» هر چند آن روز گفت‌وگوی کوتاهی با هم داشتیم ولی شهید آوینی با چنان محبت و دلسوزی‌ای با من صحبت کرد که آرامش و اطمینان خاطر عجیبی بر غوغای درونم حاکم شد. آوینی یک نوع نگاه خاصی نسبت به اتفاقات اطرافش داشت و دریافت‌ها و ادراک خاصی از مسائل برایش حاصل می‌شد که حتی در میان دیگر همفکرانش هم با واکنش‌های عجیب و گاهی تند همراه می‌شد. یادم هست وقتی فیلم سینمایی «عروس» بهروز افخمی اکران شد، شهید آوینی نقد مثبت و جالبی درباره‌اش نوشت. یک عده از کسانی که در آن روزگار خیلی مذهبی بودند واکنش‌های منفی و تندی هم نسبت به فیلم و هم به تعریف و تمجیدهای آوینی از آن داشتند. مثلاً از زمان پیروزی انقلاب در سال ۵۷ تا آن روز هیچ نمای کلوزآپی (بسته) از صورت بازیگران زن نمایش داده نشده بود اما افخمی در این فیلم از صورت بازیگر اصلی زن فیلم(خانم نیکی کریمی) چنین نمایی گرفته بود. همین اقدام باعث شدت گرفتن اعتراضات زیادی شد که شهید آوینی به تنهایی و با ارائه استدلال‌های منطقی، هنری و دقیق در مقابل آنها ایستادگی کرد. حرف آوینی این بود که برای درک بهتر از این تصاویر و به طور کلی از فیلم بایستی به پیامی که فیلم در درونش دارد توجه کرد نه صرفاً به چند پلان یا تصویر کلوزآپ از صورت بازیگر زن در آن فیلم که البته همانطور که گفتم از ابتدای انقلاب تا آن روز اتفاق نیفتاده بود.

> **آوینی حتی به راش‌های اولیه‌ای که از جبهه برایش می‌فرستادند بدون وضو دست نمی‌زد و علت این کارش اعتقاد، معنویت و خلوص عملی بود که نسبت به رزمندگان و شهدا داشت. نکته دیگری که من را مجذوب اخلاق و رفتار شهید آوینی کرد صداقت و زلالی جاری در رفتار و گفتار او بود**

> **در حوزه هنری بودیم و دیدم که همان مدیر رسانه‌ای محترم با حالتی بسیار متأثر و صورتی اشک‌آلود به آنجا آمده و دارد گریه می‌کند. من که بعد از آن برخورد و مباحث مطرح شده هنوز حس و حال خوبی پیدا نکرده بودم به طرف وی رفتم و گفتم که «شما چرا گریه می‌کنید؟ شما که می‌گفتید آوینی دیگر از دایره فکری ما خارج شده؟!» آن دوست محترم با همان حال گریه و اشک گفت: «من اشتباه کردم و ایشان را درک نکردم حالا دارم می‌فهمم که چه شخص نازنینی بودند!**

فکر می‌کنید این تلاقی و تفاوت نگاه بین آوینی و دیگر منتقدان حزب‌اللهی حوزه هنر و سینما چگونه قابل تفسیر است؟

ما خیلی راغب بودیم تا بسیاری از مسائل مناقشه‌برانگیز و چالش‌زا را با ایشان مطرح کنیم و به نتیجه برسیم چراکه این مسئله برای ما مسجل شده بود که باید از اینگونه دیدگاه‌ها و تفکرات شهید آوینی بیشتر و بهتر استفاده کنیم اما خیلی‌ها متوجه نمی‌شدند و نسبت به آوینی گارد دفاعی خاصی گرفته بودند. به عنوان مثال یک خاطره‌ای عرض می‌کنم تا مسئله قدری برای مخاطبان روشن‌تر شود. آن موقع یکی از دوستان موجه و خوب ما مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های مهم کشور بودند. من به همراه یکی از گرافیست‌های سرشناس کشور خدمت این مدیر رسانه‌ای محترم رسیدیم تا در مورد برخی مباحث کاری تخصصی و مطبوعاتی‌مان با هم مشورت کنیم. دقیقاً یادم نیست چطور شد که حین صحبت موضوع شهید آوینی و نوع نگاه ایشان در حوزه سینما و هنر مطرح شد. در آن بازه زمانی ما به دلیل قرابت ذهنی و قلبی با شهید آوینی نسبت به ایشان یک احترام و اعتقاد خاصی پیدا کرده بودیم و به راحتی هر نقد و انتقادی را در مورد وی نمی‌پذیرفتیم. به هر حال یادم هست که آن روز ما خیلی در مورد آوینی بحث کردیم که هیچ کدام از طرفین نتوانستیم دیگری را قانع کنیم اما آن دوست رسانه‌ای‌مان گفت اصلاً ایشان(شهید آوینی) از دایره فکری ما خارج شده‌اند! ایشان دیگر به فضای روشنفکری غلتیده و وارد شده و برگشتی هم ندارد. کلاً یک حرف‌های عجیب و غریبی زده شد. نکته جالبی که باید بگویم این است که به فاصله دو روز بعد از شکل‌گیری آن بحث بین ما، خبر شهادت آوینی اعلام شد! ما در حوزه هنری بودیم و دیدم که همان مدیر رسانه‌ای محترم با حالتی بسیار متأثر و صورتی اشک‌آلود به آنجا آمده و دارد گریه می‌کند. من که بعد از آن برخورد و مباحث مطرح شده هنوز حس و حال خوبی پیدا نکرده بودم به طرف وی رفتم و گفتم که «شما چرا گریه می‌کنید؟ شما که می‌گفتید آوینی دیگر از دایره فکری ما خارج شده؟!» آن دوست محترم با همان حال گریه و اشک گفت: «من اشتباه کردم و ایشان را درک نکردم حالا دارم می‌فهمم که چه شخص نازنینی بودند!»

در واقع آن مدیر محترم رسانه‌ای ظرف ۴۸ ساعت و پس از اعلام خبر شهادت آوینی دچار تحول شدند و فهمیدند که آوینی شخص نازنینی بودند؟!

اصلاً اوضاع و شرایط عجیب و غریبی بود. هدفم از گفتن این خاطره این است که بگویم آوینی در یک غربت مضاعف و شدیدی به سر می‌برد. البته ما در جریان انقلاب پدیده‌هایی از این دست زیاد داشتیم؛ شخصیتی مانند شهید بهشتی، شهید آیت، شهید دیالمه و....

من به تازگی مطلبی در مورد شهید آیت خواندم که نوشته بود در مجلس آن موقع علیه این شهید بزرگوار شعار می‌داده‌اند که «آیت کودتاچی اعدام باید گردد!» این مسئله نشان‌دهنده مظلومیت عجیب این شهید بزرگوار و غریب است که بعدها آیت را با تفنگ ژ۳ که معروف به توپ دستی یا تفنگ پلنگ‌کش هست و با شلیک ۶۳ گلوله به شهادت می‌رسانند که این اقدام نشان‌دهنده عمق کینه و بغض دشمنان از این شهید بود. باید گفت که آوینی هم از این دست اشخاص و شهداست هر چند ممکن است به اندازه عزیزانی که در بالا گفتم به صورت علنی مورد غضب نبود اما در جلسات و گعده‌هایی که بود مدام راجع به وی می‌گفتند که «دیگر از دست رفت و...»

خوشبختانه نظرات، مقالات، سخنرانی‌ها و آثار نقد شهید آوینی در مجلد «آینه جادو» گردآوری شده و در دسترس است.

اجازه بدهید از آقا محمد، برادر بزرگوار ایشان یادی بکنم که با یک خلوص و افتادگی خاصی راه شهید آوینی را ادامه داد و با زحمات زیاد توانست آثار و کارهای شهید را جمع کند و در مجموعه کتاب «آینه جادو» تدوین کند تا در دسترس همه علاقه‌مندان به هنر انقلابی باشد. بعد از شهادت آقا سید ما جلسات زیادی را خدمت ایشان می‌رفتیم و به نوعی تلخی فقدان شهید را با حلاوت دیدن و صحبت کردن با آقا محمد تحمل می‌کردیم. هنوز هم بسیاری از دوستان با یک عشق و علاقه خاصی سر مزار شهید آوینی می‌روند و آرامش پیدا می‌کنند.

به نظر می‌رسد که اگر آوینی شهید نمی‌شد انتقادها همچنان ادامه پیدا می‌کرد و چه بسا اگر پیام و آن اطلاق ویژه مقام معظم رهبری که آوینی را به حق «سید شهیدان اهل قلم» خواندند، نبود؛ دورباش‌ها و کورباش‌ها استمرار می‌یافت. آیا شما هم با این جمله موافقید؟

هر چند حضور مقام معظم رهبری کنار جنازه

> **باید مسئولان و مدیران دلسوز پای کار بیایند و به تبیین و تئوریزه کردن هر چه بیشتر تفکرات، معتقدات و مسیری که سید مرتضی آوینی را به «سید شهیدان اهل قلم» تبدیل کرد، بپردازند**

آقا سید مرتضی و آن اطلاق درخشان ایشان نسبت به شهید جای هیچ حرف و شبهه‌ای نسبت به حقیقت و شخصیت درخشنده آوینی به جا نگذاشت اما من فکر می‌کنم که شهادت سیدمرتضی آوینی یک خط بطلانی بر همه انتقادات و حرف‌های غلطی بود که در مورد این بزرگوار گفته می‌شد و با شهادتش به همه ثابت شد که آوینی در چه غربتی بوده و واقعاً شهادت حقش بود.

با توجه به اینکه آثار و مقالات شهید آوینی امروزه در قالب کتاب در دسترس افراد قرار دارد گمان می‌کنید می‌توان از ظرفیت آنها برای بالا بردن سواد نقد هنری و سینمایی در جامعه استفاده کرد؟

در میان سخنرانی‌ها و مقالات شهید آوینی آنقدر مطالب زیبا و عمیق وجود دارد که هر کسی می‌تواند به اندازه‌ای که توان دارد از آنها بهره‌برداری کند، اتفاقی که برای خود بنده رخ داده و حض و بهره زیادی از آثار به جا مانده از شهید آوینی برده‌ام. از همه افرادی که با این خط و نگاه احساس قرابت و نزدیکی دارند و تمامی مسئولان و مدیرانی که امکاناتی در اختیار دارند درخواست می‌کنم که موقعیت‌هایی را ترتیب بدهند تا زمینه بازخوانی مجدد آثار آوینی به همراه واکاوی دقیق و عمیق علمی و کارشناسی ایجاد بشود. من متأثر می‌شوم که می‌بینم هر ساله در سالروز شهادت این شهید بزرگوار چند برنامه و قاب عکس و... تدارک دیده می‌شود و همه چیز تا سال بعد و برپایی یک مراسم دیگر تعطیل می‌شود! واقعیت این است که قدر و منزلت افکار و آرای آوینی و همچنین راه و مسیری که باعث شکوفایی شخصیت و پرورش روح این شهید شده بسیار والاتر و ارجمندتر از این است که در برگزاری یک مراسم چند دقیقه‌ای از تلویزیون یا یک برپایی یک مجلس یادبود خلاصه بشود. باید مسئولان و مدیران دلسوز پای کار بیایند و به تبیین و تئوریزه کردن هر چه بیشتر تفکرات، معتقدات و مسیری که سید مرتضی آوینی را به «سید شهیدان اهل قلم» تبدیل کرد، بپردازند. باید آرا و نظرات کسی مانند شهید آوینی برای ارتقای سطح نگاه و شخصیت جوان‌ترهای امروز جامعه مورد بازخوانی و واکاوی دقیق قرار بگیرد. در روزگاری که همه دشمنان ایران و اسلام عزیز یک نبرد فرهنگی تمام عیار را علیه فرهنگ، اعتقادات، باورها و ارزش‌های ما به راه انداخته‌اند، تجهیز جوانان کشور به نظرات و آرا امثال شهید آوینی وظیفه خطیر و تاریخی است که نقش صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان دو دستگاه اصلی و متولی فرهنگ غیر قابل انکار است. مسئولان باید بدانند که به جای اقدامات ظاهری و باسمه‌ای مثل گل گذاشتن روی سنگ قبر آوینی یا برگزاری مجلس یادبود، بایستی به هویت آوینی و بازخوانی و واکاوی آثارش پرداخته شود. به نظرم فراز صحبت‌های وی می‌تواند در قالب‌های مختلف هنری عینیت پیدا بکند. می‌تواند تبدیل به پوسترهای متعددی بشود. می‌توانیم از افکار و آثار آوینی در کتاب‌های درسی تمام سطوح دبستان، دبیرستان و دانشگاه استفاده کنیم. قطعاً شأن و جایگاه تفکری شهید آوینی بسیار فراتر از نمایش چند وسیله شخصی وی در یک غرفه کوچک موزه است. باید پیوست فرهنگی شهید آوینی را تا به حال ایجاد می‌کردیم. سال‌هاست از شهادت ایشان می‌گذرد ولی هنوز یک جای متمرکزی برای نمایش آثار و تولیدات شهید آوینی از فیلم‌های مستند تا بقیه موارد، وجود ندارد تا علاقه‌مندان بتوانند با مراجعه به آنجا به تحلیل و بررسی آثار وی بپردازند. من فکر می‌کنم شهید آوینی همچنان با همان غربت و مظلومیتی که پیش از شهادت داشت همراه است و مطمئنم که مقام معظم رهبری هم به این ظواهر و برگزاری مراسم یادبود سال به سال در مورد شهید آوینی راضی نیستند. ما هم باید مانند همه دنیا از داشته‌هایمان نهایت استفاده و بهره را ببریم و همانطور که آنها دائماً با ساخت آثار مختلف سعی دارند الگوهایشان را مقابل چشم نسل‌های مختلفشان زنده نگه دارند، ما هم چنین اقداماتی را در مورد قهرمانان خودمان انجام بدهیم.

آیا خاطره خاصی از برخورد شهید آوینی با خودتان دارید که به عنوان حسن ختام گفت‌وگویمان به آن اشاره کنید.

بله، من مجموعه‌ای جدید از کاریکاتورهایم را به آقا مرتضی نشان دادم. در این مجموعه، کاری وجود داشت که یک ماهی را در تُنگ به تصویر می‌کشید. شهید آوینی این تصویر را دید و نسبت به آن ابراز خرسندی کرد. او ماهی را استعاره از انسان خاکی به دور از اقیانوس معرفت دانست و عنوان کرد که این تُنگ مانع ورود ماهی به اقیانوس معرفت شده است. در حالی که انسان می‌تواند با اندکی تلاش خود را به این اقیانوس برساند. به این ترتیب این کاریکاتور مورد توجه ایشان واقع شد و با آنکه به لحاظ گرافیکی در چند خط ساده طراحی شده بود، در مجله سوره منتشر شد. تصور من از کشیدن آن طرح این بود که پرنده عشقم، بدنم را همچون قفسی می‌پندارد که در باغ نهاده‌اند، همچون یک ماهی زیبا در تنگ کوچک آب در دل اقیانوس... اما شهید آوینی وقتی برای بار اول طرح را دید، پیشانی‌ام را بوسید و گفت: «می‌بینی سید جان چقدر تنهاییم، کمی تلاش کنیم با یک جست می‌توانیم خود را به اقیانوس عشق برسانیم. عشق را می‌بینیم، فاصله‌مان با آن تنها یک جداره نازک شیشه‌ای است اما...»

ویژه تهران

فرم اشتراک روزنامه جوان

۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سیبا ۰۱۰۵۹۵۲۳۰۴۰۰۷ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.
۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.
۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.
۴. لطفا کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.
۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: نام و نام خانوادگی: تلفن تماس:
نام شرکت یا موسسه: کدپستی الزامی است:
نشانی:

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۴۱۲/۵۰۰	۸۲۵/۰۰۰	۱/۲۳۷/۵۰۰	۱/۶۵۰/۰۰۰

توضیح: ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.
آدرس: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به خیابان شهید مطهری، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم
تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ نمابر: ۸۸۳۴۱۶۵۰